

پژوهش و تحقیقی نو

در

سیره نبی اعظم
صلی الله علیه وآله

زیر نظر

حسین ابراهیمی

مرکز رسیدگی به امور مساجد

مقدمه ناشر

پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم، رحمة العالمین،^۱ خانم النبیین،^۲ صاحب اخلاق عظیم،^۳ و آینه تمام‌نمای فضائل و خوبی‌ها و اسوه حسنه‌ای است که قرآن کریم مسلمانان را به پیروی از آن بزرگوار دعوت می‌نماید: «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه»^۴ او در سرتاسر دوران حیات پربرکت خود، در عرصه‌های گوناگون زندگی، چگونه زیستن را با رفتار و گفتار خود به بشریت آموخت و در پایان عمر نیز دو میراث گرانبساز را برای مسلمانان و همه بشریت به ارمغان گذاشت تا انسان تشنه هدایت و فلاح و سعادت، با تمسک به این دو ثقل - که همان عمل به دستورات و آموزه‌های آنان است - هرگز روی ضلالت را نبیند و راه گمراهی را نیابد.

بر همه علاقه‌مندان و محققین و پژوهش‌گرانی که دل در گرو محبت رسول اعظم صلی الله علیه و آله وسلم دارند فرض است تا ابعاد مختلف زندگی آن بزرگوار را بسان تابلویی در منظر و مرآی تشنگان کمال و پویندگان راه فلاح قرار دهند. نام‌گذاری سال ۱۳۸۵

هجری شمسی از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «مدظله‌العالی» بنام سال پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله وسلم فرصت مغتنمی بود که این فرض بزرگ به انجام برسد. انتشارات ثقلین نیز که نام خود را از حدیث شریف آن بزرگوار اخذ نموده

است، همواره می‌کوشد با انتشار کتاب‌های مختلف به وظیفه خود در نشر و اشاعه معارف قرآن و اهل بیت عصمت و طهارت علیه‌السلام عمل نموده و غبار مهجوریت از چهره تابناک ثقل اکبر و ثقل کبیر برگیرد.

به همین منظور در سال ۱۳۷۳، کتاب ارزشمند «یادنامه محمد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم» را منتشر و در سال ۱۳۸۲ تجدید چاپ

نمود و امسال نیز افتخار دارد که مجموعه حاضر را که نتیجه تلاش و تحقیق جمعی از فضلا و محققین ارجمند است، منتشر نماید.

امید است که سعی و تلاش همه، مقبول درگاه حضرت احدیت واقع شده و تحفه‌ای کوچک به پیشگاه با عظمت

پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله وسلم باشد. و آخر دعوینا ان الحمدلله رب العالمین.

انتشارات ثقلین

بهار ۱۳۸۶ هـ ش

۱ . انبیاء: ۱۰۷ .

۲ . احزاب: ۴۱ .

۳ . قلم: ۴ .

۴ . احزاب: ۲۱ .

پیشگفتار

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين.

همزمان با پیدایش و شکل‌گیری اجتماع انسانی، مسائل، گرفتاری‌ها و مشکلات همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی

و اجتماعی، آدمیان را در همیشه تاریخ، احاطه کرده و بلاانقطاع گریبان‌گیر جوامع انسانی بوده است، بشر امروز، بهرغم وجود امکانات وسیع مادی و درخشش خیرکننده فناوری و فرآورده‌های صنعتی و یافته‌های فکری، علمی، تخصصی

و فنی، نه‌تنها احساس آرامش، امنیت و خوشبختی ندارد، که بی‌شماره دغدغه‌های جدیدی نیز، به تناسب وسعت یافتن ارتباطات

و گسترش وسایل ارتباط جمعی و سیطره پر قدرت و همه‌جانبه قدرت‌های سیاسی - نظامی و گول سیری‌ناپذیر استثمار اقتصادی

در سطح جهانی، بر نگرانی‌ها و دغدغه‌های پیشین آدمیان، افزوده شده است.

اگر روزگاری انسان در آرزوی پرواز بر فراز ابرها بر بال آهنین، شب و روز تلاش می‌ورزید تا راهی به سوی تحقق آن

بازگشاید و یا غواصی در زیر امواج سهمگین اقیانوس‌ها را به‌منظور به دست آوردن منابع زیردریایی، در خیال می‌پروراند

و یا در آرزوی کشف ذخایر زیرزمینی و استخراج آنها به هر دری می‌کوبید تا ابزاری بسازد و دفینه‌های گنجینه زمین را به چنگ

آورد و صدها میل و خواسته‌های رؤیایی از این دست، همه و همه، در اطراف يك نقطه مرکزی دور می‌زد و آن این‌که انسان،

در عرصه نبرد، با نادانی و جهل، سرانجام، بر این دشمن سرسخت آدمی که او را مقهور و مغلوب طبیعت ساخته است فایز آمده

و زمینه‌های ترقی و پیشرفت آدمیان را در حوزه‌های گوناگون و شئون مختلف حیات، فراهم کند. این انگیزه موجب می‌گردید

که انسان با تکیه بر نیروی فعال خرد، از نردبان علم و دانش، بالا رفته و بر فراز قله‌های شامخ تمدن بشری صعود نماید،

و با بهره‌گرفتن از پیشرفته‌ترین فرآورده‌های صنعتی و فن‌آوری‌های محیرالعقول، زندگی را سامان ببخشد. به این منظور که آدمی

در وضعیت جدید، کلیه نیازمندی‌ها و احتیاجات خود را تأمین کرده، به رفاه، آسایش، امنیت و کامجویی از مواهب طبیعی برسد

و برای فصلی از فصول تکراری تاریخ هم که شده، سعادت و خوشبختی را به گونه جمعی و نوعی تجربه نماید. غافل از این‌که

با عبور، از موانع و عوامل جبر طبیعت و ایستادن برچکاد رفیع تمدن ماشینی و عینیت یافتن رؤیاهای شیرینی که در سر می‌پروراند

و به سختی در راه تحقق آنها در عینیت اجتماعی بشری تلاش می‌ورزید چه بر سر آدمیان خواهد آمد؟!

آیا مخترعان و مکتشفان و دانشمندان بزرگ به هنگام موشکافی‌ها و مطالعات و تحقیقات خستگی‌ناپذیر

خود،

هرگز تصور کرده بودند که پس از کشف «اتم» و زیر و رو شدن ساختار زندگی انسان، در پرتو اکتشافات پیچیده علمی،

بر سر مردم «هیروشیما» و «ناکازاکی» چه خواهد آمد و کشف «اتم» یا دیگر فن‌آوری‌های صنعتی، به‌جای عمران و شکوفایی

و آبادانی زمین، چگونه موجبات فرسایش طبیعت و آلودگی محیط زیست و نابودی موجودات زنده را فراهم خواهد ساخت؟

به ویژه این که فن آوری جدید برای اولین بار، در جهت اسلحه سازی و پیچیده تر نمودن تجهیزات نظامی و زرادخانه های جنگی

به کار رفته و در به خاک و خون کشاندن انسان ها نقش اساسی را ایفا می کند.

غرض، نكوهش خردورزی و تعقل، علم و دانش و مذمت ذات تمدن نیست که تمدن به معنا «آسان سازی زندگی» است

و در حد ذات خود یکی از آرمان های انسانی است، بلکه یادآوری مطلب فوق بدان جهت است که آدمی صرفاً، گرفتار يك نوع

جبر نبوده و نیست، یعنی جبر طبیعت، تا با گشودن زندان «جبر طبیعت» به وسیله مفتاح با کفایت علم به کمال خوشبختی و آرامش

رسد. چه آن که بدیهی است، با شکوفایی علوم طبیعی و تجربی و ظهور فناوری معاصر، بی تردید، جبر طبیعی، جای خود را

به آزادی انسان از زندان طبیعت سپرده است و بی شک، آدمیان در این بخش از ضرورت های حیات، به بسیاری از رؤیاهای خود

دست یافته اند؛ بنابراین، پرسش اساسی این است که پس ریشه گرفتاری ها و اسارت همیشگی انسان در چه عواملی نهفته است

که پس از افشا شدن بسیاری از رازهای طبیعت و تسلط انسان بر پدیده های آن و استخدام نیروهای طبیعی، هنوز که هنوز است

از اندوه انسان کاسته نشده است و اضطراب، نگرانی، امراض روحی و جسمی - بعضاً غیرقابل علاج - همچنان عرصه زندگی را

برآدمی تنگ نگاه داشته است؟ و در يك کلام مشکل اساسی بشر چیست؟ پاسخ این پرسش را در روند عمومی حرکت فکری

جهان، می توان تا حدودی بازشناسایی کرده و به نتایجی راهگشا دست یافت. به این معنا که جهت حرکت فکری جهان معاصر ما

به سمت و سویی است که آموزه های تازه ای را جایگزین یافته ها و داده های فکر حاکم بر جهان امروز بسازد. این امر،

به اقتضای ماهیت خود، اندیشمندان، متفکران و دانشوران نوآور و مسئول رابرآن داشته است تا آن چه را که در قرن ۱۹ و ۲۰

از مسلمات تلقی می شدند، جسورانه و شجاعانه زیر سؤال جدی ببرند و منطق نوینی را پیش پای انسان معاصر قرار بدهند؛

و از این طریق به تمدن معاصر و در نتیجه روش زندگی، جهت تازه ای ببخشند، که مجال شرح و تفصیل آن در این گفتار نیست.

جوهر اصلی سخن در این باب، طبق اذعان بسیاری از محققان غربی و شرقی نادیده گرفته شدن نیازها و احتیاجات روحی

و معنوی انسان در شکل گیری تمدن معاصر است و این که پشتوانه یا به عبارت روشن تر، ستون فقرات این تمدن را فلسفه اصالت

ماده و مادی گرایی شکل داده است و این نوع نگرش و دید فلسفی، سنگ بنای زیرین «تمدن» کنونی جهان را پایه ریزی کرده

و موجب شده است که ابعاد مختلف هویت آدمی فراموش شود؛ انسان به صورت يك «شیء» درآید، از مقام حقیقی و حقوقی

خود فرسنگ ها فاصله بگیرد؛ در حقیقت رتبه و شأن آدمی به گونه دردناکی تنزل نماید که نتیجه قهری و طبیعی این نوع برخورد

جفاکارانه به انسان، جز «بی هویت» شدن او چیز دیگری نبوده و خود موجب می گردد که آدمی همچون ابزار تولیدی در خدمت

ماشین صنعت و یا مأمور معذوری در خدمت ماشین جنگ قرار بگیرد.

گرایش عمومی جهانیان به امور معنوی و دینی، پس از يك دوره دین ستیزی و معنویت ستیزی که در يك برهه از تاریخ

«مدرنیسم»، به صورت فرهنگ زندگی «مدرن» درآمده بود، پیام های روشن را در بردارد که موجب می شود اندیشوران

و مصلحان بزرگ معاصر، با مواجهه به دغدغه های جدید، به عمق نیازمندی های انسان توجه جدی تری مبذول دارند،

شاخص‌ترین پیام روند حرکت و معنویت‌گرایی، در جوامع امروزی - به خصوص غربیان - نشانگر این حقیقت است، که در طول دوران حاکمیت بی‌قید و شرط ماشین و تسلط بلامنازع مدرنیسم بر تمامی شئون حیات آدمی، وجوه اساسی نیازهای معنوی او، نه‌تنها نادیده گرفته شده که در بسیاری از موارد پایمال گردیده است و بسیار طبیعی است که فطرت اصیل آدمیان که نسبت به‌تمام

واحدهای بشری تعمیم دارد، يك بار ديگر به گونه‌ای خودجوش و قهری تبارز یافته، موجودیت خود را، در قالب طرح نیازمندی‌های روحی و معنوی انسان‌ها به رخ بکشد.

رویکرد مجدد بشر به دیانت، در ذات خود الزامات نوینی را به همراه دارد، که به‌گونه‌های مختلف و در وجوه عدیده حیات بشری، تجلی می‌یابد. برعهده اندیشوران دینی است که ضرورت‌های عاجل و آجل زمان خود را باز شناخته و پاسخ‌های مقتضی را در هر فصل از فصول احتیاجات مبرم و حیاتی انسان، از متن اصیل دیانت باز یافته و ارائه دهند. از جمله این الزامات، می‌توان به «شفاف‌سازی مفاهیم دینی» اشاره کرد و اساسی‌ترین نقش دیانت را در زندگی آدمیان که همان وجه هدایت‌گری در آموزه‌های مختلف تربیتی، اخلاقی، حقوقی، سیاسی، حکومتی، اجتماعی و غیره است برجسته نموده، در دسترس بشریت تشنه و نیازمند امروز قرار داد، با توجه به رسالت و مسئولیت عالمان مؤمن به تعالیم و هدایت‌گری دین مبین اسلام، این ضرورت چندین و چند برابر خودنمایی می‌کند، چه آن‌که به فرموده پیام‌آور بزرگوار دین اسلام، «عالمان دین‌شناس، وارثان پیامبران‌اند» شرایط مساعد موجود، در زمینه دین باوری حکم می‌کند که مفاهیم، تعالیم و آموزه‌های انسان‌ساز و زندگی‌بخش دیانت، متناسب با فضای موجود فکری، در جوامع انسانی، یعنی با رویکرد علمی - تخصصی به مسئله و با استفاده از روش‌های قابل قبول محافل فکری و معرفت‌شناختی، ارزیابی گردیده، به صورت روشمند و تحقیقی، فراوری انسان معاصر قرار داده شود.

پرواضح است که برجسته نمودن سیمای واقعی و حقیقی پیام‌آور دین، به عنوان سند اصلی حقانیت دین و به‌عنوان تجسم عینی مکتب، در عینیت زندگی فردی و اجتماعی آدمیان، پیش از همه در اولویت جدی قرار دارد، چه آن‌که ایمان و باور اعتقادی به آموزه‌های يك مکتب، زمانی در اوج استحکام و پایداری خود قرار می‌گیرد که نمونه عینی و تحقق یافته آن به روشنایی بدرخشد و جاذبه‌های نیرومند آن، انسان‌های تشنه و جویندگان حقیقت را، به سرچشمه زلال هدایت‌گری آن، جذب نماید.

به مصداق «لقد کان لکم فی رسول اللہ اسوة حسنة»^۵ بایسته است که دین‌باوران و دین‌شناسان عالم و آگاه به مفاهیم دینی، وجوه عدیده الگو بودن رسول اعظم اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله را به روشنایی تبیین نمایند و از سویی دسترسی و الگو قرار دادن پیامبر بزرگوار اسلام، از چه راه‌هایی ممکن و میسر است؟ کتاب حاضر، به‌منظور تأمین بخشی از اهداف فوق، تدوین و گردآوری شده و در دسترس علاقه‌مندان، قرار گرفته است.

این اثر، محصول کار و تلاش بی‌وقفه جمعی از محققان و دین‌پژوهان است، که به بهانه مبارک «سال رسول اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله» که از سوی مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای «مدظله‌العالی» در بهار ۱۳۸۵ نام‌گذاری شده بود، تألیف گردیده است.

کتاب در نوع خود، یکی از ارزشمندترین و جامع‌ترین آثار است که تاکنون در این باب عرضه شده است. نویسندگان محقق و ژرف‌کاوی که با حوصله‌مندی تمام و به‌ویژه، عشق، ارادت و ایمانی که به شخصیت عظیم پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله داشته‌اند، در معرفی «سیمای ظاهری»، جوهر اندیشه الهی و سیره عملی و هدایت‌گر پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله بر اساس مستندات محکم و غیرقابل انکار عقلی و نقلی، کار عظیمی را ارائه داده‌اند.

در مجموعه حاضر سعی شده است زندگی رسول اعظم صلی الله علیه و آله از دوره نوجوانی و جوانی، با استفاده از
متون معتبر

تاریخی، روایی، به‌طور مستند به تصویر کشیده شود. به‌ویژگی‌های فردی و اجتماعی آن حضرت و همچنین به ویژگی‌های ظاهری ایشان، پرداخته شده است و این‌که کلام و سخن آن حضرت، از باب «و ما یُنطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی»^۶ است، به مفهوم وحی پرداخته شده و نیز عصمت، معجزات، علم غیب و خاتمیت پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله مورد تحقیق و مطالعه عمیق و کارشناسانه قرار گرفته است، تحلیل جامعه‌شناختی آموزه‌های اجتماعی پیامبر اعظم، سیاست، مدیریت، تعلیم و تربیت، آموزه‌های اقتصادی ایشان و همچنین طلایه‌داری رسول اعظم در عرصه دفاع از حقوق زنان، حق آزادی بیان در تفکر و حیاتی، حقوق بشر دوستانه و حقوق بشر و... موضوعات و مطالبی است که محتوای ارزشمند کتاب حاضر را شکل داده است.

هر بخش از کتاب گنجینه‌هایی از معارف دینی است که هم از نظر وسعت بحث (کمی) و هم از نظر عمق و ژرفا (کیفی) سرمایه عظیمی از معرفت دینی است، به‌خصوص که سبک برگزیده در این نوشتار، کاملاً سبک تحقیقی بوده، از بازی با الفاظ به شدت پرهیز شده است و نویسندگان این کتاب کوشیده‌اند مفاهیم، معانی و مطالب پرباری را در قالب عبارات رسا، با بیانی شیوا و زیبا بگنجانند.

در پایان لازم است که از زحمات محققین گرامی حجج اسلام آقایان: علی‌یاور فصیحی، حیدر مظفری، محمدزکی احسانی، محمداسلم جوادی، عبدالله شفائی، عبدالحکیم سلیمی، صفدر علی ضیایی، محمد احسانی، قنبر علی صمدی، رحمت‌الله ضیایی، خداداد جلالی، اسماعیل دانش، محمدمیر ناصری و رضا حبیبی که موضوعات را به‌رشته تحریر درآوردند و حجه‌الاسلام غلامحسین رضائی که امور اجرایی پروژه را برعهده داشتند، تقدیر نمایم.

و آخر دعوینا ان الحمدلله رب العالمین.

حسین ابراهیمی
رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد
ربیع المولود ۱۴۲۸ هـ ق